

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال هفتم، زمستان ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۲۶

مبانی کلامی جهانی شدن در قرآن کریم از نظرگاه فقه سیاسی شیعه

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۴/۳/۶

* علی کارشناس

پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است: مبانی کلامی جهانی شدن در قرآن چیست؟ این نظام در مقایسه با جهانی شدن غربی از چه رکن‌ها، ویژگی‌ها و برتری‌هایی برخوردار است و، از این میان، کدام یک مستحق جهانی شدن است؟ روش این پژوهش تحلیلی-عقلی است. این پژوهش پس از بیان مبانی کلامی جهانی شدن در اسلام و غرب به بیان وجوه قوت و برتری مبانی کلامی جهانی شدن در اسلام می‌پردازد. بر اساس این پژوهش، قرآن کریم کتاب وحی الهی است که برای هدایت انسان در عرصه نظر و عمل در همه عصرها نازل شده است و سرانجام در عصر مهدویت این نظام الهی به شکوفایی نهایی خویش نایل خواهد شد. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

واژگان کلیدی: قرآن، جهانی شدن، کرامت انسانی، جهانی سازی، عقلانیت.

* دکترای فقه و اصول و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق علیه السلام.

مقدمه

دین مبین اسلام آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات انسان‌ها است. حقیقت جهانی شدن غربی سلطه غرب بر جهان، به ویژه بر جهان اسلام، است که در هر سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ تعقیب می‌شود. از جمله ویژگی‌های فرهنگ آمریکایی - که قرار است با پوشش جهانی شدن بر دنیا تحمیل شود - اخلاق‌زدایی و تئوریزه کردن فحشا است.

درباره موضوع جهانی شدن تحقیقات گسترده‌ای، در قالب کتاب‌ها و مقالات متعدد صورت پذیرفته است، از جمله: «ارزیابی انتقادی؛ جهانی شدن و عدالت»، «جهانی شدن؛ پایان تاریخ و مهدویت»، «دکترین جهانی سازی غرب و دکترین مهدویت اسلام»، «تأثیر جهانی سازی بر هویت ملی و هویت جهانی (با تأکید بر رسانه‌های ارتباطی نوین)»، «جهانی سازی یا محلی سازی؟»، «نقدی بر تئوری زمان جهانی آنتونی گیدنز و طرفداران او».

هیچ یک از این مقالات و تحقیقات با وجود تلاش‌های درخور ستایش نویسندگان آن به مبانی جهانی شدن از دیدگاه قرآن نمی‌پردازند. از این رو، با توجه به جهان‌شمول بودن تعالیم اسلام و خاتمیت قرآن کریم بر همه کتاب‌های آسمانی، ضرورت دارد به این بُعد مهم و اساسی قرآن کریم پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی

واژه جهانی شدن در لغت به معنای دنیایی ساختن و فراگیری آمده است. (عمید، ۱۳۴۲: ۴۷۹) در ادبیات فارسی، جهانی شدن مصدر بوده، بر صیوروت و شدن دلالت می‌کند. از این رو، جهانی شدن فاعل خارجی ندارد، برخلاف «جهانی سازی» که اسم مصدر است و فاعل خارجی دارد. در پدیده جهانی سازی، این فاعل خارجی است که با ایجاد شرایطی از بیرون، جهان را به سوی پروسه

جهانی سازی سوق می دهد.

ازسوی دیگر، جهانی سازی تابع نظام خاصی است که بر جوامع انسانی تأثیری عمیق دارد.

درباره مفهوم اصطلاحی جهانی شدن نظریات گوناگونی مطرح است که برخی از آنها به شرح زیر است:

واترز معتقد است: جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می شوند. (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۶)

آنتونی گیدنز، ضمن طرفداری از افراطیون نظریه یکپارچگی، بر این باور است که جهانی شدن به معنای یکپارچگی جهانی و استحاله نهادهای اساسی می باشد و امری است که مرتبط با تأثیر فضا و زمان در زندگی ماست. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۸)

به طور کلی، اندیشمندان غربی بر این باورند که جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا که مردم دنیا به واسطه آن، کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه، در جامعه جهانی واحد ادغام می شوند. (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰)

اما از دیدگاه نگارنده، جهانی شدن در نظام قرآن به معنای حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد است که در آن جامعه جهانی واحد، قیدوبندهای جاهلی که بر روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سایه افکنده از بین می رود و جامعه و فرهنگ و تمدن واحد بر اساس ارزش های الهی در سراسر جهان مستقر می شود و جهان بشر را به فلاح و رستگاری می رساند، چنان که قرآن کریم در این باره می فرماید:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحْرِمُهُمُ الْعَنْبِثَ وَالْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (اعراف: ۱۵۷)

همانان که از این فرستاده و پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند، [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس، کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

نظام جهانی مطلوب از دیدگاه اسلام نظامی عادلانه است که بر پایه‌های «حاکمیت الهی، امامت، قانون یکپارچه و امت واحد» استوار است. این نظام - که از آن به نظام «امامت و امت» یاد می‌شود - پیش از ظهور امام زمان (عج) نیز در گوشه و کنار عالم تحقق پذیر است، ولی ما مسلمانان وظیفه داریم که با ایجاد حکومت‌های اسلامی زمینه ایجاد آن حکومت الهی و نظام جهانی موعود را فراهم کنیم و در راه برپایی آن نظام بر حق بکوشیم. (ربک، جمالی، ۱۳۷۵: ۱۵۹)

مبانی نظری جهانی شدن در غرب

جهانی شدن اسلامی با الگوی جهانی شدن غربی - که بر پایه امپریالیسم و نئولیبرالیسم هست - تفاوتی بنیادین دارد، زیرا جهانی شدن در غرب براساس مبانی فکری و فلسفی تمدن غرب شکل گرفته است. این مبانی عبارت‌اند از: عقلانیت اثبات‌گرایانه یا پوزیتویسم، اومانیزم (انسان‌گرایی)، لیبرالیسم (آزادی

افسارگسیخته فردی) و سکولاریسم (دنیوی کردن ارزش‌ها). (رک. دیویس، ۱۳۷۸:

(۳۸)

۱. عقلانیت اثبات‌گرایانه یا پوزیتیویسم

اثبات‌گرایی بدین معناست که جامعه انسانی براساس قوانینی همانند قوانین طبیعی بنا شده است با بررسی‌های تجربی می‌توان برنامه‌های اثباتی مؤثر و مفیدی را برای آنها فراهم کرد. اثبات‌گرایی - که بر مبنای جدایی ارزش از واقعیت استوار است - می‌کوشد تا از رفتارهای انسان تفسیری مادی ارائه کند. (توسلی، ۱۳۷۶: ۴۸؛ افروغ، ۱۳۷۹: ۹-۱۱؛ حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۵۷) در نظام عقلانیت اثبات‌گرایانه، ارزش‌ها، بایدها و نبایدهای اخلاقی و فرهنگی تنها بر مبنای عقل و وجدان - و نه آموزه‌های دینی - استوارند. (رک. شیرودی، ۱۳۸۶: ۵۸)

۲. اومانیزم

اومانیزم به معنای انسان‌گرایی، انسان‌مداری، مکتب اصالت فرد، انسان‌دوستی و مانند آن است. اومانیزم نگرش فلسفی ویژه‌ای است که انسان را محور توجه خود قرار داده و اصالت را تنها به رشد و شکوفایی انسان سپرده است. بنابراین، می‌توان اومانیزم را شیوه‌ای فکری به‌شمار آورد که انسان را بر هر چیز مقدم می‌شمارد. (رک. دیویس، ۱۳۷۸: ۳۸)

بر اساس اومانیزم غربی، تمامی امور - حتی اخلاق و دین - براساس تمایلات و نیازهای انسان توجیه می‌شود و مسئله محوری انسان تنها سامان یافتن زندگی اجتماعی و فردی وی براساس موازین عقلانی بشری است، نه کشف اراده خداوند. (اریلاستر، ۱۳۶۷: ۱۴۰)

۳. لیبرالیسم

لیبرالیسم شامل همه روش‌ها، نگرش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که

هدف عمده آنها فراهم آوردن آزادی بیشتر برای انسان است. از این رو، لیبرالیسم با هر آنچه به محدودیت آزادی بینجامد دشمنی می‌ورزد. براساس لیبرالیسم غربی، انسان از هر قید و تکلیفی آزاد و رهاست و هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال جهان اطراف خویش ندارد. (ر.ک. یرمر، ۱۳۷۷: ۵۱)

۴. سکولاریسم

سکولاریسم گرایشی است که به حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در حیات سیاسی - اجتماعی انسان می‌انجامد. فرایند دین‌زدایی یا قداست‌زدایی را عرفی کردن یا دنیوی کردن یا سکولاریزاسیون می‌نامند. در سکولاریسم سخن از آن است که حکومت خدا جای خود را به حکومت مردم می‌دهد و رشد علوم تجربی به نفی لزوم تدبیر و حاکمیت خدا می‌انجامد و قلمرو دین به رابطه شخصی انسان با خدا و امری خصوصی محدود می‌شود و همه شئون زندگی انسانی و اجتماعی تنها به روش علمی و آزمون تجربی قابل تجزیه، تحلیل یا درک است و، در یک کلام، سکولاریسم معتقد به حذف دین و بی‌نیازی آدمی از وحی و شریعت است. براساس سکولاریسم، نهاد دین و سیاست از یکدیگر جداست و دین هرگز حق دخالت در امور جهان را ندارد. (ر.ک. الیاده، ۱۳۷۴: ۱۲۹)

مبانی کلامی جهانی شدن اسلامی

در مقابل، مبانی کلامی جهانی شدن اسلامی در قرآن کریم عبارت‌اند از: فطرت‌گرایی (روم: ۳۰)، ارج نهادن به عقل و علم (اسراء: ۳۶)، اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدأ (اسراء: ۴۴)، غایتمندی نظام آفرینش و به‌ویژه انسان (مؤمنون: ۱۱۵)، استمرار و تداوم نظام هدایت و رهبری الهی (رعد: ۷)، کرامت الهی انسان (اسراء: ۷۰)، حاکمیت ارزش‌های الهی (انعام: ۵۷)، آزادی و حق حیات و بهره‌مندی

همه انسان‌ها از مواهب طبیعی (بقره: ۲۵۶؛ لقمان: ۲۰)، عزتمندی و شرافت و نفی سلطه دیگران (نساء: ۱۴۱؛ بقره: ۲۵۶).

مهم‌ترین مبانی کلامی جهانی شدن در اسلام در ادامه می‌آید:

۱. فطرت‌گرایی

نظام جهانی شدن اسلام مبتنی بر سرشت و فطرت مشترک میان انسان‌هاست که از سوی خداوند در نهاد انسان به رسم امانت سپرده شده است:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ
ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ. (روم: ۳۰)

پس، روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار.

فطرت در جامعه جهانی اسلام میان همه مردم جهان پیوند برادری و اخوت مبتنی بر ایمان را برقرار می‌نماید و فراگیرترین عامل هم‌گرایی اجتماعی مؤمنان به‌شمار می‌رود.

عامل اساسی جاودانگی اسلام روح منطقی آن و تطبیق کامل دستوراتش با فطرت و روح انسانی است. اتکا و وابستگی اسلام به روح و فطرت امری بدیهی و انکارناشدنی است.

از آنجاکه روح و فطرت انسان‌ها تغییرناپذیر است، دین اسلام نیز که مبتنی بر فطرت آدمی است تغییرناپذیر است. نیازهای متغیر و گوناگون بشری هرگز در پاسخ‌گویی دین نسبت به نیازهای ثابت انسان‌ها خللی ایجاد نمی‌کند. بدین ترتیب، تطابق اسلام با فطرت یکی از رمزهای جاودانگی و جامعیت اسلام خواهد بود.

۲. عقلانیت و خردورزی

عقل و خرد نیز در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که در اصول دین اسلام، تقلید جایز نیست و باید عقاید خویش را بر دلایل عقلانی و خردپسند استوار ساخت.

از سوی دیگر، در آیین مترقی اسلام، میان احکام و دستورات عقل و شرع تلازم و هماهنگی وجود دارد، که از آن تحت عنوان «قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع» یاد می‌شود:

كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ.
(طباطبایی، ۱۴۲۱: ۱۶/۱۸۲)

هر چه را عقل حکم کند شرع بر طبق آن حکم می‌کند، و هر چه را شرع فرمان دهد عقل نیز به آن فرمان می‌دهد.

۳. جامعیت اسلام

یکی دیگر از مهم‌ترین نشانه‌ها و دلایل جاودانگی اسلام توجه به تمام ابعاد وجودی انسان - اعم از مادی و معنوی و فردی و اجتماعی - است.

اسلام، به دلیل جامع‌نگری‌اش، هم جهات روحی و معنوی بشر را در نظر گرفته است و هم به جهات مادی و جسمانی آدمی توجه دارد و برای تمام ابعاد وجودی او احکام و قوانینی مقرر کرده است. همین جامعیت و جامع‌نگری اسلام درباره انسان است که این آیین آسمانی و الهی را فرازمانی و فرامکانی کرده است، زیرا انسان موجودی فرازمانی و فرامکانی است.

برای نمونه، اسلام، از یک سو، استفاده از دنیا و لذات آن را به شرط آنکه از چارچوب موازین شرع خارج نباشد و به معنویت و کمال بشر ضرر نزند تأیید کرده است و، از سوی دیگر، کسب معنویات و ترقی روحی را بر نادیده نگرفتن

زندگی دنیوی مشروط نموده است چنان که امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:
 كَيْسَ مِمَّا مَن تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۷۶)
 از ما نیست کسی که دنیایش را برای آخرتش یا آخرتش را برای دنیایش
 رها کند.

۴. انطباق قوانین اسلام با نیازمندی‌های ثابت و متغیر انسان

به دلیل تنوع نیازهای انسان، قوانین اسلامی نیز متنوع‌اند و به دو دسته قوانین ثابت و قوانین متغیر تقسیم می‌شوند و راهکار اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر انسان اجتهاد است. یکی از باورهایی که از متون آیات و روایات استفاده می‌شود و مورد اتفاق همه مسلمانان است خاتمیّت دین اسلام است. لازمه خاتمیّت دین اسلام جاودنگی احکام آن است، چراکه بشر همواره نیازمند هدایت الهی است. اگر دین الهی مخصوص زمان یا مکان خاصی باشد، سبب محرومیّت انسان‌ها و نسل‌های دیگر از دین می‌گردد و این امر با ادعای خاتمیّت و جاودانگی دین اسلام منافات دارد.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چگونه است که هر چه بیشتر قرآن انتشار می‌یابد و تدریس می‌شود جز بر تازگی و طراوتش افزوده نمی‌گردد.» امام صادق علیه السلام فرمود:

لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَّانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (مجلسی ۱۴۰۳: ۱۷/۲۱۳)
 ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۱۳۰

زیرا خداوند تبارک و تعالی قرآن را برای زمانی خاص و مردمی خاص نفرستاده است. پس، قرآن تا روز قیامت در هر زمانی جدید و برای هر قومی تازه خواهد بود.

در روایت دیگری آمده است:

حکم الهی و تکالیف خداوند در حق اولین و آخرین (انسان‌ها) یکسان است، مگر آنکه علت یا پدیده‌ای پیش آید که سبب دگرگونی حکم شود و نیز همگان نسبت به تغییر حکم هنگام پیش آمدن حوادث همانندند و واجبات بر همه یکسان است. همان که از پیشینیان سؤال می‌شود، از آیندگان نیز سؤال می‌شود و مسورد محاسبه قرار می‌گیرند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۱۸/۵)

از این رو، لازمه جاودانگی و جهانی بودن دین خاتم آن است که در هر دوره‌ای و با هر زمانه و زمینه‌ای بتواند رسالت خود را در هدایت انسان‌ها انجام دهد و در تأمین نیازهای بشر - که او را محتاج به دین کرده است - کارا باشد. از همین رو، «احکام اسلام محدود به زمان و مکان نیست و تا ابد باقی و لازم‌الاجرا است» (خمینی [امام]، ۱۴۰۹: ۲۵)

به همین دلیل، اسلام در کنار قوانین و احکام ثابتش دارای سلسله مکانیزم‌هایی است که مایه پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان متناسب با مقتضیات زمان می‌گردد.

شاخص‌ترین و مهم‌ترین این مکانیزم‌ها که نیازهای متغیر انسان را پاسخ می‌گوید اجتهاد است؛ اجتهاد راهکار به روز کردن دین و پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه است.

منابع اجتهاد عبارتند از کتاب (قرآن کریم)، سنت (قول و فعل و تقریر معصومین علیهم‌السلام)، اجماع و عقل. قرآن کریم، اولین مرجع شناخت احکام شریعت، مورد اتفاق آرای فقهای مذاهب اسلامی است. بنابراین، قبل از مراجعه به هر منبعی جهت استنباط احکام شرعی باید به سراغ کتاب الهی رفت، زیرا قرآن جامع قوانین الهی و معیار سنجش اخبار و احادیث است و بر همین اساس است

که از زمان نزول بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا به امروز و برای همیشه به‌عنوان اولین مرجع احکام مورد توجه فقهای اسلام بوده و خواهد بود. تاریخ فقهت و اجتهاد خود، گواه این مدعاست. (جناتی‌شاهرودی، ۱۳۷۰: ۵-۶)

سنت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز منبع دوم اجتهاد به‌شمار می‌رود که برای اثبات حجیت آن کافی است عصمت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام اثبات شود، زیرا پس از اثبات عصمت، شکّی در صحّت و مطابقت روش امامان با احکام واقعی شرعی، باقی نمی‌ماند. (همان: ۹۸)

سومین منبع اجتهاد اجماع است. دانشمندان اصولی امامیه معتقدند که اجماع دارای اعتبار و حجیت است، به شرط اینکه کاشف از رأی معصوم باشد. وگرنه، برای مطلق اجماع اعتبار شرعی قایل نیستند. در حقیقت، اصولیان شیعه برای خود اجماع - با صرف نظر از کاشفیت آن - ارزشی قایل نیستند و اجماع را مانند کتاب و سنت دارای حجیت ذاتی نمی‌دانند. از این رو، اگر اجماع تنها بیانگر اتفاق نظر گروهی از امت یا علما باشد و در بردارنده نظر معصوم نباشد، فاقد اعتبار است. (همان: ۱۸۸)

منبع چهارم اجتهاد عقل است. احکام قطعی عقلی در هر عصر و دوره‌ای حجّت و معتبر است. البته، مقصود از اعتبار عقل این نیست که حجیت احکام عقلی را بی‌قید و شرط بدانیم و هیچ حد و مرزی برای آن نشناسیم، بلکه مقصود اعتبار عقل سلیم در حیطة مستقلّات عقلی است.^۱ (همان، ۲۴۶)

بدین ترتیب، اجتهاد در اسلام به نیازهای متغیر مردم در هر عصر و زمان و در

۱. مستقلّات عقلی دسته‌ای از احکام هستند که عقل به تنهایی در مورد آنها حکم می‌کند، مانند وجوب مقدمه و نیز حسن و قبح عقلی.

هر منطقه و مکان پاسخ می‌دهد، بدون آنکه مقررات ثابت اسلام دستخوش نسخ و ابطال و دگرگونی شود. از این رو، اجتهاد یکی از رمزهای مهم جاودانگی، جامعیت و پاسخگویی اسلام به نیازهای متنوع و متغیر بشر است و موجب می‌شود تا اسلام بتواند همراه با اقتضائات زمان و تغییرات زندگی به نیازهای گوناگون بشر پاسخ گو باشد.

۵. حاکمیت ارزش‌های الهی

در اندیشه دینی و اسلامی همواره بر حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه تأکید می‌شود:

الَّذِينَ إِذْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ... (حج: ۴۱)

کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.

تأکید اسلام بر حاکمیت ارزش‌های دینی برای تأسیس نظامی جهانی است تا سرنوشت‌ساز بودن نقش این باور در جهتگیری زندگی فردی، جمعی و جهانی هویدا گردد، چراکه چنین اعتقادی رفتار اجتماعی را متأثر می‌سازد و آن را تحت کنترل درمی‌آورد.

بنابراین، الگوی جهانی شدن اسلام مبتنی بر ارزش‌های الهی و اخلاقی و معیارهای عقلانی است. اسلام، به عنوان دینی کامل و نظامی جامع، تعالیم خود را مبتنی بر فطرت، اعتقاد به حاکمیت خداوند، خداباوری، حاکمیت ارزش‌های معنوی، امامت و رهبری صالحان، عقلانیت و علم، کرامت انسانی، عدالت‌گستری، تحقق صلح و امنیت و حقوق فطری بشری بنا نهاده است. هدف بنیادین جهانی شدن در اسلام تکامل همه‌جانبه انسان‌ها و بسط معارف توحیدی و

از میان بردن موانع رشد و کمال بشر و تحقق ارزش‌های والای انسانی و تأمین امنیت، عدالت، صلح، برابری، محبت و نفی همه مظاهر فساد و کفر و شرک و ظلم است. این آموزه‌ها- که از کلیدی‌ترین عناصر جوهری جهانی شدن اسلام‌اند- زمینه مقبولیت جهانی اسلام و پویایی و تداوم آن را تضمین می‌کند. از این رو، تنها اسلام استحقاق جهانی شدن را دارد. علاوه بر این، براساس وعده الهی، سرانجام، این تعالیم و ارزش‌ها در سراسر جهان بسط و گسترش خواهند یافت و بر نظام جهانی شدن شرک‌آلود غرب پیروز خواهد شد:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَسَوْفَ يَكْفُرُ
 الْمُشْرِكُونَ. (توبه: ۳۳)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

اما فرهنگ غرب، که بر مبنای ارزش‌های غیردینی و سکولاریستی و مادی‌گرایانه شکل گرفته است، هرگز نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای واقعی انسان‌ها به سوی حقیقت، عدالت و معنویت و امنیت و صلح باشد و، از این نظر، جهانی شدن در غرب لزوماً به بهتر شدن وضعیت زیست جهان و تأمین امنیت و تحقق عدالت و صلح نمی‌انجامد.

از دیدگاه برخی اسلام‌شناسان غربی، تنها براساس الگوهای دینی و اخلاقی و معنوی است که آرامش و ثبات برای انسان‌ها به وجود خواهد آمد (ربک. پوزار، ۱۳۶۱: ۲۵۲) و از آنجاکه اسلام دینی سرشار از معنویت است، ظرفیت جهانی شدن را داراست.

جهانی شدن بر اساس الگوی اسلامی نه تنها هرگونه سلطه‌گرایی، نابرابری و تبعیض را نفی می‌کند بلکه مبتنی بر گرایش‌های فطری و ارزش‌های انسانی

است، درحالی که جهانی شدن غربی با تحمیل الگوهای خویش بر دیگر فرهنگ‌ها و جوامع درصدد سلطه بر سراسر جهان است. (ربک. تسخیری و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۱۶)

از سوی دیگر، نظام جهانی شدن اسلام با قیام جهانی امام مهدی (عج) روی خواهد داد، و این وعده بزرگ الهی وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر خداوند است. طبرسی در ذیل آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) آورده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر این آیه فرمود: «هیچ خانه آباد و چادری در روی زمین نخواهد بود، جز آنکه خداوند متعال به وسیله حضرت مهدی (عج) اسلام را در آن وارد نماید.» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۵۲/۴) از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز نقل شده است: «... [در دوران ظهور حضرت مهدی (عج)] همه اختلاف‌ها از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت دین واحد درمی‌آیند.» (خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۹۳)

۶. نظام جهانی امامت

از جمله ویژگی‌های نظام جهانی شدن در قرآن موضوع نظام جهانی امامت است، که نهایی‌ترین مرحله نظام جهانی شدن در اسلام می‌باشد. اراده الهی بر این تعلق گرفته است که حاکمیت خویش را در زمینه تدبیر و اداره سیاسی جامعه به انسان‌هایی واگذار کند که تجلی اراده اویند، هرچند این تفویض از قدرت و حاکمیت او نمی‌کاهد؛ این انسان‌های برگزیده «پیامبران و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام» اند.

حاکمیت در نظام جهانی قرآن به دست رهبر برگزیده الهی است که از جانب او اعمال حاکمیت می‌کند. حاکمیت امام به معنای حاکمیت قانون، عدالت، حق و معنویت است. جهان تحت حاکمیت الهی امام به جهانی معنوی تبدیل می‌شود که همگان را در مسیر تکامل و تعالی قرار می‌دهد. امام قطب آرمانی و فکری

جهان،^۱ حاکمیت الهی را در نظام جهانی به اجرا می‌گذارد و همه ملت‌ها و سرزمین‌ها را تحت عنوان «امت واحد» به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد. (رک. جمالی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

۷. تحقق وعده الهی پیرامون امت واحد جهانی

از دیگر ارکان نظام جهانی قرآن کریم، «تحقق وعده الهی پیرامون امت واحد جهانی» است. امت در نظام جهانی اسلام نویددهنده جامعه‌ای متکامل است که استعدادها و ارزش‌های انسانی در آن شکوفا می‌گردد و نیازهای بنیادین فطرت و روح انسانی در آن برآورده می‌شود. محور فعالیت و حرکت در آن نظام اجتماعی «فطرت و هویت مشترک» و «فکر و اراده توأم با ایمان و باور» می‌باشد. (رک. همان: ۱۶۵) قرآن کریم، چنین نظامی را این‌گونه بشارت می‌دهد:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا ... (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد، آن‌گونه که پیشینیان را خلیفه گردانیده است. و بدون شک، دینی را که برای آنها برگزیده است مستقر خواهد ساخت و همانا به آنها پس از یک دوره بیم و ناامنی امنیت خواهد بخشید.

۱. امام - قطب ایدئولوژیک نظام جهانی اسلام- از طریق گزینش الهی و بیعت مردمی سکان هدایت جامعه بشری را به عهده دارد. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام امام را به «قطب الرّحا»، یعنی محوری که سنگ آسیاب به دور آن می‌چرخد، تشبیه فرموده است: «وَأَنْتَ لَيَعْلَمَنَّ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)؛ درحالی‌که او (خلیفه) نیک می‌دانست که موقعیت و نقش من (امیرمؤمنان) چون قطب در سنگ آسیاب است.

براساس آیات قرآن، همه پیامبران و پیروانشان یک امت اند و تفاوت‌های میان پیروان و پیامبران هرگز دلیلی بر دوگانگی آنان نیست. بر همین مبنا، قرآن می‌کوشد تا با ترسیم دورنمای نظام واحد قرآنی، امت واحده‌ای را ایجاد کند که در آن مردمان بر ایمان و توحید الهی متحد و متفق‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۲)؛ این آیه به وحدت جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت می‌کند، به این بیان که همان‌گونه که خداوند متعال پروردگار واحد است، انسان‌ها نیز امت واحدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۴/۲۵۸)

علاوه طباطبایی نیز وحدت جهانی جوامع انسانی را امری یقینی دانسته که تنها با اسلام تحقق می‌یابد. از دیدگاه علامه، نوع انسان به حکم فطرتی که در او به ودیعت نهاده شده طالب کمال و سعادت حقیقی خود یعنی دستیابی به عالی‌ترین مراتب زندگی مادی و معنوی است و روزی به آن دست خواهد یافت. اسلام که دین توحید است برنامه‌چنین سعادت است. (ربک. طباطبایی، ۱۴۲۱: ۴/۱۳۱-۱۳۲)

۸. قانون یکپارچه جهانی

قانون یکپارچه جهانی، که از مکتب انسان‌ساز اسلام و قرآن کریم سرچشمه می‌گیرد، از عناصر وحدت‌بخش جهانی شدن در قرآن کریم است. از آنجاکه انسان مدنی بالطبع است، ناگزیر از آن است که نیازهای خویش را با همکاری و تعاون و نظام اجتماعی به دست آورد. از سوی دیگر، تعارض و تزاخم میان خواسته‌های بشری و روح سیری‌ناپذیر وی نیاز به قانون را تشدید می‌کند. بهترین قانون قانونی است که از جانب آفریدگار انسان و به دور از هر تحریفی به دست بشر رسیده باشد، چراکه وی به خوبی انسان و نیازهای وی را می‌شناسد

و از قانون‌گذاری برای انسان هیچ‌گونه انتفاعی نمی‌برد. (رک. سبحانی، ۱۴۱۱: ۲/۲۴-۳۰) این قانون همان قانون حیات‌بخش قرآن کریم است. قرآن کریم از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر به سوی کمال و سعادت نازل شده است و، از این رو، تنها قانون جامع در میان انسان‌هاست که مبتنی بر فطرت است. قرآن کریم قادر است که انسان را در نظام جهانی قرآن به سعادت وعده داده شده الهی رهنمون سازد. خداوند سبحان در توصیف جامعیت قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (اعراف: ۵۲)
و درحقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و

شیوایش ساخته‌ایم و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است.

بنابراین، نظام جهانی شدن قرآن، ضمن مرزبندی هویتی با فرهنگ و تمدن بیگانه، با ساختن هویتی منسجم برای پیروان خویش در قالب «امت واحد»، عزت و اقتدار مسلمانان را در عرصه جامعه جهانی به ارمغان می‌آورد. قرآن کریم، به صراحت، مسلمانان را به وحدت فراخوانده، از تفرقه‌افکنی منع می‌نماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... (آل عمران: ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

وحدت مسلمانان و کاهش وابستگی به قدرت‌های بیگانه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حمایت از حقوق ملت‌های مسلمان در صحنه‌های بین‌المللی شکوفایی ظرفیت جهانی شدن اسلام را در پی دارد.

ترباط مبانی کلامی جهانی شدن و فقه سیاسی شیعه

فقه سیاسی شاخه‌ای از اندیشه سیاسی اسلام است که، با تکیه بر روش‌شناسی اجتهاد در عرصه اجتماع و سیاست، نحوه ارتباط فرد با دیگر شهروندان، پیوند شهروندان با دولت، ارتباط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها و ارائه الگوهای

مطلوب را بررسی می کند. (سیدباقری، ۱۳۸۸/۲۵)

توجه به مبانی کلامی جهانی شدن و تعریف فقه سیاسی گویای این مطلب است که این دو در مسائلی چون انطباق قوانین اسلام با نیازمندی‌های ثابت و متغیر انسان، حاکمیت ارزش‌های الهی، نظام جهانی امامت و قانون یکپارچه جهانی مشترک هستند. در حقیقت، مبانی کلامی جهانی شدن زیرساخت فکری لازم برای جهانی شدن فقه سیاسی شیعه را فراهم می سازد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار آمد تلاشی فکری برای الهام‌پذیری از معارف قرآن کریم درباره نظام جهانی شدن در اسلام بود که در این مسیر ماهیت جهانی شدن، ویژگی‌ها و مبانی آن بررسی شد. براین اساس، جهانی شدن از دیدگاه اسلام به معنای حاکمیت توحید بر جهان است و هدف بنیادین جهانی شدن در اسلام تکامل همه‌جانبه انسان‌ها و بسط معارف توحیدی و از میان بردن موانع رشد و کمال بشر و تحقق ارزش‌های والای انسانی و تأمین امنیت، عدالت، صلح، برابری، محبت و نفی همه مظاهر فساد و کفر و شرک و ظلم است. براین اساس، ارکان نظام جهانی شدن در اسلام عبارت‌اند از: حاکمیت خداوند یگانه، نظام جهانی امامت، امت واحد جهانی و قانون یکپارچه جهانی.

همچنین، در این نوشتار، دلالت آیاتی از قرآن کریم که نظام جهانی شدن در قرآن کریم را ترسیم کرده یا تشکیل جامعه جهانی به رهبری اسلام را بشارت داده است بیان شد و گفتیم آیات مزبور بر فراگیری نظام جهانی شدن قرآن کریم بر اساس دکترین فقه سیاسی شیعه دلالت دارند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۰). *پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، تهران: آگاه.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
- _____، (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- اربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷). *ظهور و سقوط لیبرالیسم*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). *فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی*، تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش.
- _____، (۱۳۸۸). *اسلام و جهانی شدن*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۴). *فرهنگ و دین*، ترجمه هیئت مترجمان، تهران: طرح نو.
- بوازار، مارسل (۱۳۶۱). *اسلام در جهان امروز*، تهران: اسلام و حقوق بشر.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶). *سیاست و مهدویت*، قم: آینده روشن.
- پیشگاهی، زهرا (۱۳۸۰). *نگرش ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن*، تئوری نظام‌های فضا-منطقه‌ای، تهران: دوره عالی جنگ.
- تسخیری، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۲). «جهان‌شمولی اسلام و جهانی سازی»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- جمالی، حسین (۱۳۷۵). *نظام جهانی*، قم: زمزم هدایت.
- جناتی‌شاهرودی، محمد ابراهیم (۱۳۷۰). *منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، تهران: کیهان.
- حاجتی، میراحمدرضا (۱۳۸۱). *عصر امام خمینی*، قم: بوستان کتاب.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتین للاحیاء التراث.
- حسینی بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۷). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه بعثه.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.

- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). *الهدایة الكبرى*، بیروت: البلاغ.
- دیویس، تونی (۱۳۷۸). *اومانیسیم*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۱). *الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*، قم: مکتب دارالاعلام الاسلامی.
- سید باقری، سید کاظم (۱۳۸۸). *فقه سیاسی شیعه*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). *جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست*، قم: زمزم هدایت.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۲). *جهانی شدن و دین*، تهران: احیاگران.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰). *منتخب الاثر*، ج ۳، قم: مکتب آیت الله صافی گلپایگانی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان*، تهران: انتشارات اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱). *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی شدن*، فرهنگ، هویت، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جهان رهاشده*، ترجمه علی اصغر سعیدی و حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- عمید، حسن (۱۳۴۲). *فرهنگ لغت فارسی عمید*، تهران: کتابخانه سینا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا.
- خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۴۰۹). *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- یرمر، جرمی شر (۱۳۷۷). *اندیشه سیاسی کارل پوپر*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو.